



واکاوی شاخص‌های پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی بر اساس تجارب زیسته زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره و ارائه الگوی مطلوب

دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران.
استادیار گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران.
استادیار گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران.

سیده مریم فاطمی ^{id}
محمد مسعود دیاریان* ^{id}
سید اسماعیل موسوی ^{id}

ahmadiala974@gmail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۳۰

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰

<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۳ پیاپی ۱۲ | ۱۷۵-۱۵۴

پاییز ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(فاطمی، دیاریان و کیامرثی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

فاطمی، سیده مریم، دیاریان، محمد مسعود، و موسوی، سید اسماعیل. (۱۴۰۱). اکاوی شاخص‌های پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی بر اساس تجارب زیسته زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره و ارائه الگوی مطلوب. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۳ پیاپی ۱۲): ۱۷۵-۱۵۴.

چکیده

هدف: یکی از آشفتگی‌های روان‌شناختی در روابط زوجین، دلزدگی زناشویی است؛ به طوری که ظهور بستر مشکلات روان‌شناختی و سردی روابط عاطفی به تدریج زوجین را به سوی جدایی سوق می‌دهد. بنابراین هدف از پژوهش حاضر واکاوی شاخص‌های پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی بر اساس تجارب زیسته زوجین بود. **روش:** تحلیل داده‌های کیفی با رویکرد پدیدارشناسی مبتنی بر روش کلایزی بود. مشارکت کنندگان شامل زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و بر طبق ملاک‌های ورود انتخاب شدند. تجارب افراد با ابزار مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختار یافته مورد بررسی قرار گرفت و داده‌ها با ۲۳ مصاحبه به اشباع رسید. **یافته‌ها:** در مرحله اول کدگذاری، ۲۲۵ مضمون پایه از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. در مرحله دوم ۲۲ مضمون فرعی و در مرحله سوم ۷ مضمون اصلی شناسایی شد. نتایج نشان‌دهنده ۲۲ مضمون فرعی و ۷ مضمون اصلی بود که با استفاده از روش‌های ویژه اعتباریابی کیفی روایی‌سنجی و مورد تأیید قرار گرفت. اعتبارسنجی داده‌ها با سه روش دریافت بازخورد از مشارکت کنندگان، روش کدگذاران مستقل و روش گروه خبرگان (۳ نفر متخصص) انجام گرفت و معیارهای تعیین دقت و استحکام داده‌ها رعایت شد. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد انباشته شدن احساسات، پریشانی عاطفی در روابط زوجین و تنش‌های زندگی، باعث فرسودگی روانی و سرانجام به دلزدگی زناشویی منجر می‌شود. بنابراین شناسایی و توجه به عوامل پیش‌بینی کننده پدیده دلزدگی، زوجین را به سوی یافتن راه‌کارهای اثربخش و جلوگیری از بروز این پدیده هدایت می‌نماید، بر اساس یافته‌ها الگوی شاخص‌های پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی طراحی شد. از این رو پیشنهاد می‌شود این شاخص‌ها در تدوین پروتکل‌های مشاوره‌ای در زوج درمانی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: الگوی مطلوب، تجربه زیسته، دلزدگی زناشویی، زوجین

مقدمه

دزدگی زناشویی^۱ با علائم کسالت جسمی، عاطفی و روانی مداوم و در نتیجه احساس دائمی تنیدگی، ناامیدی و به تله افتادن همراه با از دست دادن اشتیاق، انرژی و هدف در افراد مشخص می‌شود (کاپری، ۲۰۱۳). دزدگی زناشویی فقدان تدریجی دلبستگی عاطفی است که کاهش توجه به همسر، بیگانگی عاطفی و افزایش احساس دل‌سردی و بی‌تفاوتی نسبت به عواطف همسر را شامل می‌شود (مازارانتانی، ۲۰۱۱). در واقع هنگامی که زوجها با یکدیگر روابط صمیمانه را آغاز می‌کنند، هر کدام با مجموعه‌ای رؤیایها و انتظارات وارد رابطه می‌شوند. هنگامی که این انتظارات با تجارب استرس‌زا و ناسازگار جایگزین شوند، رابطه زناشویی دچار آسیب شده است که با عنوان دزدگی از آن یاد می‌شود (صفی‌پوریان، قدمی، خاکپور، سودانی، مهرآفرید، ۱۳۹۲). که میزان آن به سطح سازگاری زوجها و باورهایشان بستگی دارد (نظری، فلاح‌زاده و نظر بلند، ۱۳۹۶). پیامد فقدان ابراز احساسات، تشدید افکار ناخوشایند و برانگیختگی منفی در افراد است و این امر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل درگیری‌های زناشویی شناخته می‌شود. همین افکار منفی خودآیند^۲، در نهایت چرخه افزایش نارضایتی از ازدواج، احساس فرسودگی و دزدگی زناشویی را تقویت می‌نماید (فلاحتی و محمدی، ۲۰۲۰). دزدگی زناشویی با احساس رخوت مزمن، کاهش انرژی، خستگی، ضعف و تنوع وسیعی از شکایت‌های جسمی و روان‌تنی علائم خود را نشان می‌دهد (نظرپور، زهراکار، پوریحیی، داورنیا، ۱۳۹۸). سه عامل فقدان تعامل و تبادل، عدم ارضای نیاز به صمیمیت و تعارض‌های حل‌نشده یا عدم مهارت در حل تعارض‌ها از دلایل مهم دزدگی است که در صورت عدم درمان و پیشگیری، پیامدهایی نظیر از پا افتادن جسمی، کسالت‌روانی و سرخوردگی عاطفی-هیجانی را به دنبال خواهد داشت (پاینز، ۱۳۹۴). هم‌چنین مشکلات در روابط جنسی و به تبع آن تشدید تعارضات زناشویی، می‌تواند پیامدهای مخربی بر کاهش کیفیت زندگی، سلامت روان زوجین و حتی در طلاق و جدایی آنان مؤثر باشد (بیبیر و ورنر، ۲۰۰۹؛ عسگری و گودرزی، ۱۳۹۷).

در بررسی عوامل مرتبط با دزدگی زناشویی پژوهش صدری، فتحی و هاشمی (۲۰۲۰) تحت عنوان بررسی نقش میانجی‌گری تمایز بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری دلبستگی-خانواده با دزدگی زناشویی نشان داد که سبک دلبستگی ایمن تأثیر مثبت و مستقیم و سبک دلبستگی نایمن تأثیر منفی و مستقیم بر دزدگی زناشویی دارد. احراری، میری، رضانی، دستجردی و حمیدی (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان بررسی دزدگی زناشویی و عوامل مرتبط با آن در بین زوجین شهر بیرجند دریافتند که نمرات دزدگی زناشویی با جنس، سن، تعداد فرزندان، مدت زمان زندگی زناشویی و اقامت زوجین در یک مکان به‌طور معنی‌داری مرتبط است. هم‌چنین نتایج پژوهش قوی، جمالی، مصلی‌نژاد و مصلی‌نژاد (۲۰۱۶) که به منظور بررسی دزدگی زناشویی زوجها ناپارور انجام شد نشان داد که زنان ناپارور در مقایسه با همسران خود دزدگی زناشویی بیش‌تری را تجربه می‌کنند. کبریتیچی و محمدخانی (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان نقش دزدگی زناشویی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رضایت زناشویی نشان دادند که دزدگی زناشویی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه مثبت و بین دزدگی زناشویی با رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. زارعی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان نقش واسطه‌ای خود تمایز یافتگی در رابطه بین تاب‌آوری با دزدگی زناشویی دریافت

1. Marital Boredom

2. Negative automatic thoughts

که تاب‌آوری بر دلزدگی زناشویی تأثیر منفی و بر خودتمایز یافتگی تأثیر مثبت معنادار دارد. پژوهش موحد و کریمی (۱۳۹۶) تحت عنوان بررسی رابطه بین تاب‌آوری و نارسایی هیجانی با دلزدگی زناشویی معلمان نشان داد که بین تاب‌آوری و نارسایی هیجانی، با دلزدگی زناشویی معلمان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

از آنجایی که دلزدگی با احساساتی نظیر: خشم، نفرت، ناامیدی و سرخوردگی از ارتباط با همسر همراه است و انباشته شدن این احساسات دردناک، به مرور زمان باعث بی‌میلی و ناخشنودی منجر می‌شود، زندگی را غیرقابل تحمل می‌سازد (دانهام، ۲۰۱۶). دامنه پیمادهای دلزدگی در روابط زوجین بسیار گسترده است. به زعم پاینز (۱۹۹۶) از جمله تأثیرات فردی آن شامل بی‌اعتمادی، تحقیر، سرزنش، بی‌توجهی به زندگی مشترک و جدایی عاطفی، بروز نشانه‌های اختلالات روان‌شناختی نظیر افسردگی خواهد بود. چراکه تجربه احساس گسستگی از همسر و کاهش تمایل به ارتباطات متقابل، منجر به بی‌ثباتی هیجانی، سکوت و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل زندگی و ناامیدی از حل مشکلات را در پی دارد. در چنین وضعیتی تصور زوجین دلزده بر این است که که دیگر نقطه امیدی وجود ندارد و این امر نقطه آغاز پیش‌روی به سمت جدایی است (بارگرموزر، جانسون، داگلیش، دافونتین، وایب و تاسکا، ۲۰۱۶). در این حالت صمیمیت و عشق به تدریج رنگ می‌بازد که در شدیدترین نوع آن یعنی دلزدگی با کاهش اختلال در عملکرد خانواده و نهایتاً فروپاشی روابط همراه است (پاینز، نیل، هامر و ایسکسون، ۲۰۱۱). بنابراین در گستره دامنه دلزدگی زناشویی، تأثیرات عمیق بر خانواده نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. واضح است که دلزدگی زناشویی یک فرآیند تدریجی و واکنشی طبیعی در پاسخ به استرس مداوم، فشار روانی و عاطفی، جدایی از کار و دیگر روابط خانوادگی است که کاهش قدرت بهره‌وری در کارکرد خانواده از دیگر تأثیرات آن می‌باشد (گورکین، ۲۰۱۳).

همچنین از عواملی نظیر تمایز یافتگی و نورزگرایی نیز تأثیر می‌پذیرد (ساداتی، مهرابی‌زاده، سودانی، ۱۳۹۳). در راستای بررسی عوامل مرتبط، آلسوالکا (۲۰۱۹) در پژوهشی نشان داد میزان دلزدگی زناشویی در بین همسرانی که در یک شغل تمام وقت کار می‌کنند، در مقایسه با کسانی که شغل پاره وقت دارند به مراتب بیش‌تر است. پژوهش‌های دیسی (۲۰۱۹) و کیزیلداگ و یلدریم (۲۰۱۸) مبتنی بر دلزدگی شغلی و دلزدگی زناشویی در مشاغل پر استرس، دریافت که عدم تعادل کار و خانواده پیش‌بینی‌کننده مهمی برای فرسودگی عاطفی و دلزدگی زناشویی است. بنابراین عوامل متعددی زندگی زناشویی را تهدید می‌کند و موجبات ظهور دل‌زدگی زناشویی را فراهم می‌نمایند. پژوهش‌گران معتقدند تمامی ازدواج‌ها ممکن است به نوعی، دلزدگی را تجربه کنند و یا زندگی زناشویی را با کیفیت ضعیف ادامه دهند؛ به طوری که زندگی متأهلی بی‌ثبات و به فروپاشی متمایل است و به طور یقین با افکار و تصورات فراوانی درباره جدایی همراه است (یاقوتیان، سلیمانیان و بخشی، ۱۳۹۴). لذا توجه به اثرات مخرب این پدیده و درمان به موقع آن بسیار حائز اهمیت است (دانهام، ۲۰۱۶).

بر این اساس با توجه به اهمیت این موضوع و نیز افزایش نرخ طلاق و وجود آشفتگی‌های روابط زوجین، انگیزه پژوهش‌گران برای کشف عوامل مؤثر و راهکارهای مناسب برای مقابله با فروپاشی رابطه زوجین افزایش یافته است. لذا ضروری به نظر می‌رسد که با استفاده از روش کیفی و بصورت عمیق به بررسی و واکاوی عوامل مرتبط با شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده دلزدگی زناشویی بر اساس تجارب زیسته زوجین پرداخته شود.

همچنین بر طبق بررسی‌های انجام شده، در ایران پژوهش‌های اندکی در حوزه دزدگی زناشویی صورت گرفته که همگی به بررسی اثربخشی مداخلات پرداخته‌اند و هیچ پژوهشی با استفاده از روش کیفی در زمینه واکاوی عوامل پیش‌بینی‌کننده دزدگی زناشویی انجام نشده است و تنها یک پژوهش توسط احمدی مهر، یوسفی و گل پرور (۱۳۹۹)، انجام شده است که فقط در رابطه با دزدگی زناشویی است. از این رو پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که الگوی شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده دزدگی زناشویی از چه مؤلفه‌هایی برخوردار است؟ هدف از پژوهش حاضر واکاوی شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده دزدگی زناشویی بر اساس تجارب زیسته زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و ارائه الگوی مطلوب با استفاده از بررسی عمیق و روش کیفی بود.

روش پژوهش

در این پژوهش به منظور کشف شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده دزدگی زناشویی از روش کیفی از نوع پدیدارشناسی استفاده شد. برای تحلیل و تفسیر داده‌ها شیوه تحلیل داده‌ای کلایزی (۱۹۷۸)، مورد استفاده قرار گرفت. گردآوری داده‌های این پژوهش بر اساس نظر گروه ناظران، متون علمی و مصاحبه با زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره صورت گرفت. در ابتدا داده‌ها از طریق مصاحبه با زوجینی که دچار دزدگی زناشویی شده بودند و پس از مشخص شدن واحدهای معنایی اولیه که از مصاحبه‌ها و متون به دست آمدند، کدها استخراج شدند. سپس این کدها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مورد مقایسه قرار گرفتند و در ۹۷۸ مضمون پایه و ۲۳ مضمون سازمان‌دهنده و ۷ مضمون فراگیر دسته‌بندی شدند. مضامین به دست آمده یافته‌های اصلی این بخش هستند که با استفاده از روش سه‌سوسازی شامل جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه با زوجین و بازنگری توسط محقق، بازنگری مؤلفه‌های کشف شده توسط اساتید راهنما و مشاور (اعضای کمیته رساله) و سه نفر از متخصصین حوزه خانواده و دو نفر از متخصصین روش تحقیق کیفی، مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه مورد تأیید نهایی قرار گرفت. جامعه شرکت‌کنندگان مورد مطالعه شامل زوجین با تشخیص دزدگی زناشویی شهر اصفهان بودند که به صورت هدفمند و با روش گلوله‌برفی و با استفاده از زوجینی که متخصصین مراکز مشاوره معرفی کرده بودند تحقیق را شروع و در ادامه نیز به کمک همین زوجین سایر افرادی که دزدگی زناشویی داشتند شناسایی و انتخاب شدند. بدین منظور با چند نفر از متخصصان حوزه خانواده هماهنگ شد تا زوجین مورد نظر را معرفی نمایند که بتوانند بیشترین اطلاعات را در مورد مسائل زندگی خود جهت پاسخ به سؤال تحقیق ارائه دهند. به جهت پوشش وسیع حیطه اطلاعاتی مورد نظر با حداکثر سطوح ممکن، معیارهای تنوع در سن؛ تعداد فرزندان؛ میزان تحصیلات و شغل زوجین نیز مدنظر قرار گرفت. ملاک‌های ورود به پژوهش نیز شامل: (۱) زوجینی در مصاحبه مشارکت نمایند که به تشخیص درمانگر مشکلات آنان ناشی از دزدگی زناشویی باشد؛ (۲) افراد از بیان مسائل خانوادگی خود امتناع نداشته باشند. عدم تمایل به همکاری نیز به عنوان ملاک خروج از پژوهش در نظر گرفته شد. اعتبارسنجی داده‌ها در راستای دقت، استحکام و اطمینان از مقبولیت کدها با روش خودبازبینی محقق و روش کدگذاران مستقل، توسط ۳ پژوهشگر (اعضای کمیته رساله) صورت گرفت که روش دریافت بازخورد از مشارکت‌کنندگان نیز در حین کدگذاری اعمال شد. پس از آن در اختیار دو متخصص پژوهش‌های کیفی

قرار داده شد تا صحت و انطباق کدها مورد بررسی قرار گیرد (معیار پایایی ارزیاب‌ها^۱). در نهایت الگوی به دست‌آمده در اختیار ۳ نفر از متخصصان حوزه خانواده قرار گرفت و صلاحیت یافته‌ها بررسی شد (معیار توافق ارزیابان). در نهایت، صلاحیت یافته‌های کیفی مجموعاً با مشارکت ۸ نفر از متخصصین تأیید شد. کینگ و هوروکس (۲۰۱۰) معتقدند روش‌های اعتبارسنجی داده‌های کیفی نظیر روش کدگذاران مستقل و گروه کارشناسان، فرآیندی مطمئن جهت ارزیابی و بررسی صحت تحلیل مضامین است که هم‌تراز قابلیت اعتبار درونی محاسبات آماری در پژوهش‌های کمی است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

ابزار پژوهش

۱. **مصاحبه نیمه ساختاریافته.** به منظور اجرای مصاحبه نیمه ساختاریافته با شرکت‌کنندگان در بخش کیفی، در ابتدا با مرور ادبیات پژوهش، سؤالات مصاحبه تدوین گردید؛ به نحوی که با صحت محتوا و کفایت سؤال‌ها، دلایل دلزدگی زناشویی مشخص شود و پس از آن مصاحبه با زوجین که به صورت نمونه‌گیری هدفمند گلوله برفی انتخاب شده بودند، برگزار گردید. در این پژوهش سعی شد تا از طبقات مختلف از نظر سن، مدت زمان ازدواج، تعداد فرزند، مراحل مختلف چرخه زندگی خانواده، سطوح شغلی مختلف و میزان تحصیلات متفاوت در نمونه لحاظ شود. سؤالات مربوط به مصاحبه با زوجین با دارا بودن انعطاف‌پذیری لازم، به مصاحبه‌شوندگان این امکان را می‌داد تا به جنبه‌هایی از موضوع بپردازند که از دیدگاه آن‌ها دارای اهمیت بود. پژوهش حاضر با ابزار مصاحبه فردی و نیمه‌ساختار یافته به بررسی تجارب مصاحبه‌شوندگان در زمینه مسائل مرتبط با زندگی زناشویی پرداخته است. مصاحبه‌ها با سؤالات اولیه درباره اطلاعات فردی و کیفیت ارتباطات زوجی آغاز و جهت عمق بخشیدن به پاسخ‌ها، بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، سؤالات جزئی و پیگیری‌کننده پرسیده شد. مصاحبه‌ها با هماهنگی قبلی و در مکانی مناسب انجام شد؛ به‌طوری‌که مشارکت‌کنندگان بتوانند با آرامش، تجارب خود را بیان نمایند که هر مصاحبه تقریباً ۲۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. معیار اشباع‌پذیری نیز جهت کفایت حجم نمونه بکار گرفته شد. داده‌ها با ۲۰ مصاحبه اشباع شد که جهت اطمینان ۳ مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت و واکاوی با مجموعاً ۲۳ مصاحبه پایان یافت. بر اساس اصل اول ملاحظات اخلاقی، ابتدا با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط و تایپ شد و به هر فرد یک کد اختصاص یافت. بر اساس اصل دوم نیز برای محرمانه بودن گفتگوها به افراد اطمینان کامل داده شد. متن مصاحبه با رضایت شرکت‌کنندگان ضبط و سپس تایپ و کدگذاری گردید.

یافته‌ها

در این پژوهش، ۲۳ زوج مشارکت داشتند. به دلیل جامعیت بیشتر یافته‌ها، سعی شده است تا مصاحبه‌ها با گروه‌های مختلف انجام شود و موارد متعدد نظیر دامنه‌سنی زوجین (بین ۲۵ تا ۵۴ سال) و میزان تحصیلات (دیپلم تا دکترا) در نظر گرفته شد. شغل، مدت زمان ازدواج، نحوه آشنایی اولیه و ازدواج زوجین نیز تفاوت داشته است که مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	سن	میزان تحصیلات	شغل	فرزند	مدت زمان ازدواج	نوع آشنایی
زوج ۱	۳۰	لیسانس	کارمند	دارد	۹ سال	محل کار
	۲۹	لیسانس	کارمند			
زوج ۲	۴۵	دیپلم	کارگر	دارد	۲۲ سال	سنتی-فامیلی
	۴۳	دیپلم	خانه دار			
زوج ۳	۴۰	دکتری	فرهنگی	دارد	۱۲ سال	معرفی دوستان
	۳۵	لیسانس	خانه دار			
زوج ۴	۳۵	دیپلم	آزاد	دارد	۱۰ سال	معرفی دوستان
	۳۵	دانشجو	خانه دار			
زوج ۵	۴۵	فوق لیسانس	آزاد	دارد	۱۷ سال	دانشجویی
	۴۰	لیسانس	خانه دار			
زوج ۶	۳۷	فوق لیسانس	کارمند	ندارد	۷ سال	محل کار
	۳۰	فوق لیسانس	آزاد			
زوج ۷	۳۲	لیسانس	کارمند	دارد	۶ سال	معرفی دوستان
	۲۷	فوق لیسانس	خانه دار			
زوج ۸	۳۴	فوق لیسانس	فرهنگی	ندارد	۵ سال	سنتی-فامیلی
	۳۱	فوق لیسانس	فرهنگی			
زوج ۹	۲۶	لیسانس	-	دارد	۳ سال	دانشجویی
	۲۴	لیسانس	خانه دار			
زوج ۱۰	۳۱	دیپلم	آزاد	ندارد	۱۰ سال	معرفی دوستان
	۲۸	لیسانس	خانه دار			
زوج ۱۱	۴۰	فوق لیسانس	کارمند	دارد	۱۱ سال	محل کار
	۳۶	فوق لیسانس	کارمند			
زوج ۱۲	۴۹	دکتری	پزشک	ندارد	۱۰ سال	سنتی-فامیلی
	۳۹	فوق لیسانس	کارمند			
زوج ۱۳	۳۳	دکتری	دندانپزشک	دارد	۵ سال	محل کار
	۳۴	لیسانس	پرستار			
زوج ۱۴	۳۹	دیپلم	آزاد	دارد	۲۱ سال	سنتی-فامیلی
	۵۰	دیپلم	خانه دار			
زوج ۱۵	۴۱	لیسانس	کارمند	دارد	۱۵ سال	سنتی-فامیلی
	۳۶	فوق دیپلم	خانه دار			
زوج ۱۶	۳۵	لیسانس	-	ندارد	۱۲ سال	سنتی-فامیلی
	۲۴	لیسانس	خانه دار			
زوج ۱۷	۲۵	دیپلم	-	دارد	۴ سال	معرفی دوستان
	۲۳	دیپلم	آزاد			
زوج ۱۸	۵۴	لیسانس	آزاد	دارد	۲۲ سال	محل کار

			آزاد	لیسانس	۴۸	
معرفی دوستان	۵ سال	دارد	فرهنگی	فوق لیسانس	۳۸	زوج ۱۹
			خانه دار	لیسانس	۳۷	
معرفی دوستان	۴ سال	ندارد	کارمند	لیسانس	۳۰	زوج ۲۰
			فرهنگی	فوق لیسانس	۲۸	
معرفی دوستان	۱۴ سال	دارد	فرهنگی	دکتر	۵۱	زوج ۲۱
			فرهنگی	لیسانس	۴۷	
سنتی-فامیلی	۱۲ سال	دارد	آزاد	لیسانس	۳۹	زوج ۲۲
			خانه دار	دیپلم	۳۸	
محل کار	۱۰ سال	دارد	آزاد	فوق لیسانس	۴۳	زوج ۲۳
			آزاد	فوق لیسانس	۴۰	

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تهیه شبکه مضامین انجام شد. در مرحله اول در جهت کاوش شاخص‌های مرتبط با دزدگی زناشویی در زوجین، ۲۲۵ مضمون اولیه از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. در مرحله دوم تحلیل با خلاصه‌سازی مضامین تعداد ۲۲ مضمون فرعی به دست آمد که با دسته‌بندی و سازماندهی مفاهیم مرتبط، ۷ مضمون اصلی حاصل شد. مراحل تحلیل داده‌های کیفی در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. فرایند تحلیل مضامین مرتبط با شاخص‌های دزدگی زناشویی در زوجین

مضامین اصلی	مضامین فرعی
عوامل هیجانی و عاطفی	بروز هیجانات نامناسب عدم توجه به علایق یکدیگر بی‌توجهی و سردی عاطفی عدم همدلی
عوامل شناختی	بدبینی و سوءظن مُحِق‌پنداری (حق به جانب بودن) ازدواج ناآگاهانه (دلایل غیر منطقی و ناآگاهی از تفاوت‌های فردی) ناهماهنگی در نگرش و تفکر انتظارات و توقعات غیرمنطقی مشکلات خلقی
عوامل روان‌شناختی	عدم تحمل‌پیشانی احساس عدم امنیت (روانی - جسمانی) بار روانی و درماندگی
عوامل رفتاری	عدم تعادل کار و زندگی (شغلی-تحصیلی و زندگی مشترک) انتقاد و سرزنش‌گری افراطی روابط افراطی با افراد خانواده
عوامل سیستمی	دخالت خانواده مبدا

عوامل اقتصادی	عدم برخورداری از مهارت مدیریت مالی غفلت از نیازهای مادی خانواده
روابط جنسی	عدم تناسب جنسی زوجین فقدان روابط جنسی رضایتبخش اشتغالات جنسی نامتعارف

نتایج جدول شماره ۲ نشان دهنده ۷ مضمون اصلی و ۲۲ مضمون فرعی است که از ۲۲۵ مضمون اولیه استخراج شده‌اند. لازم به ذکر است که بسیاری از مضامین اولیه بین زوجین مشترک بوده است و اشاره‌های فراوان داشت.

برخی از مضامین اولیه مرتبط با هر مضمون اصلی بیان می‌شود که با کدهای مرتبط با هر شرکت‌کننده ذکر شده است:

۱- عوامل هیجانی و عاطفی: این عامل شامل ۴ مضمون فرعی است.

بروز هیجانات نامناسب: همیشه درحال بحث کردن با من است و جیغ و داد می‌کند (کد ۱۲). کلا دوست ندارد عواطف خود را نشان بدهد، نه به من محبت دارد، نه بچه‌ها (کد ۱۹). اکثر اوقات نگران و مضطرب است (کد ۱۸). اگر حرفی بزخم سریع خشمگین می‌شود و اختیار خودش را از دست می‌دهد؛ با بچه‌ها پرخاشگری و گاه‌ا‌کتک کاری می‌کند (کد ۷).

عدم توجه به علایق و نیازهای همسر: من هم دوست داشتم تحصیل کرده بودم، کار کنم پیشرفت کنم، ولی او از پیشرفت و بالا رفتن زن خوشش نمی‌آمد (کد ۱۰؛ ۱۴؛ ۱۶). ادامه تحصیل و سرکار رفتن آرزوی من بود که به من اجازه داده نشد (کد ۳؛ ۷، ۹).

بی‌توجهی و سردی عاطفی: اصلاً من را یادش رفته است، هر وقت به خانه می‌آید سر و روی آشفته و خسته و بوی روغن سوخته می‌دهد (کد ۴). هیچ وقت منتظر من نیست تا به خانه بیایم و با روی خوش برخورد کند (کد ۲۳؛ ۵؛ ۸؛ ۱۳). دیگر به حرف‌های من گوش نمی‌دهد، وقتی با او صحبت می‌کنم نگاهم نمی‌کند و سرش در کارش است (کد ۹؛ ۱۵؛ ۱۷؛ ۱۸). اگر به آرایشگاه بروم متوجه نمی‌شود، لباس جدید بپوشم و وسایل خانه را جابه‌جا کنم (کد ۱؛ ۶؛ ۹). دوست دارد با خواهر و با دوستانش بیرون برود و به من هم نمی‌گوید (کد ۳؛ ۱۲). نوازش و تفریح و همه چیز از بین رفته (کد ۱؛ ۱۳).

عدم همدلی: هیچ وقت نمی‌توانم با او دردل کنم همه چیز را بد برداشت می‌کند (کد ۱۷؛ ۱۸). نمی‌تواند من را درک کند، او هیچ وقت حس نمی‌کند کسی غمگین است (کد ۱؛ ۲۲). قدردان زحمات من در بیرون از خانه نیست و هیچگاه از خرید یا کارهای دیگر تشکر نمی‌کند (کد ۸؛ ۱۱). نقطه ضعف من که بی‌کسی است را می‌داند و همیشه از بالا به من نگاه می‌کند (کد ۱۳).

۲- عوامل شناختی: شامل ۵ مضمون فرعی می‌باشد.

بدبینی و سوءظن: همیشه شکاک است و فکر می‌کند همه مردم بر علیه او هستند و حتی به منم هم شک دارد گاهی اوقات می‌گوید کسی می‌خواسته در غذایش چیز بریزد و او را بکشد (کد ۵؛ ۲۲). مقصر و مسبب تمام مشکلات زندگی یا شاید تمام دنیا را من می‌داند (کد ۱۱). به من اعتماد ندارد و همیشه حس می‌کند

به او خیانت می‌کنم (کد ۱۲). مدام می‌گویند تو با کسی رابطه نداری؟ نمی‌خواهی من را بکشی؟ و زندگی را برایم جهنم می‌کند (کد ۷).

محقق‌پنداری (حق به جانب‌بودن): همیشه خودش را بی‌تقصیر جلوه می‌دهد و دیگران مقصر (کد ۲؛ ۱۳). همیشه من و خانواده‌ام را مقصر می‌داند (کد ۱). لجباز و یک دنده است و حرف، حرف خودش است (کد ۸). ازدواج ناآگاهانه (دلایل غیرمنطقی و ناآگاهی از تفاوت‌های فردی): با هم از ازدواج کردیم به خاطر بی‌کسی (کد ۱۳)، بخاطر رها شدن از تنهایی و فشار والدین (کد ۹). می‌گویند دلم سوخت با تو ازدواج کردم تو مایه دردسر من هستی (کد ۲۱). من به خاطر منفعت کاری با برادرش بود که با خانمم ازدواج کردم (کد ۴). عدم هماهنگی در نگرش و تفکر: سطح خانواده‌های ما اصلاً به هم نمی‌خورد (کد ۱۵؛ ۱۸). هر وقت منطقی صحبت می‌کنم و می‌گویم باید بچه‌دار شویم دیر می‌شود، او زود جوش می‌آورد یا قهرهای طولانی می‌کند (کد ۱۶). می‌گویند بچه نمی‌خواهیم و نمی‌گذارد بچه دار شویم، می‌گویند بچه دست و پا گیر است (کد ۶). انتظارات و توقعات غیرمنطقی: فکر می‌کنند باید من هرچه از ذهن او می‌گذرد را بدانم (کد ۲۰). می‌گویند این بهشتی نیست که به من وعده داده بودی (کد ۸). حرفی را نصفه و نیمه می‌زند و انتظار دارد همه حرف‌هایش را من خودم متوجه شوم (کد ۲).

۳- عوامل روان‌شناختی: این عامل که عبارت از ۴ مضمون می‌باشد.

مشکلات خلقی: همیشه سر هر موضوعی گریه می‌کند و ناله کردن و شکایت مداوم (کد ۴؛ ۷). شبم که میام شروع به گله کردن و غرغر کردن و گریه کردن (کد ۱۳). اکثر اوقات نگران و افسرده و مضطرب به خانه می‌آید (کد ۱۷).

عدم تحمل پریشانی: دیگه خسته‌ام تمامی ندارد این مشکلات (کد ۵). سر هر مسئله‌ای کوچک بهم می‌ریزد و به خانه مادرش می‌رود (کد ۱۶). وسایل خانه را می‌شکند یا بهم می‌ریزد (کد ۸). احساس عدم امنیت (روانی-جسمانی): احساس می‌کنم خانه برای من دیگر امن نیست (کد ۱۷). دائماً زندگی ما در تنش و اضطراب است و تکیه‌گاه نداریم (کد ۵).

بار روانی (خستگی و درماندگی): خیلی ناتوان شده‌ام (کد ۱). حس می‌کنم تنها هستم در این زندگی واقعا بریده‌ام (کد ۴). بخاطر فرزندانم تحمل کرده‌ام ولی الان به ته خط رسیدم (کد ۷؛ ۱۴). تباها شدم نابود شدم (کد ۲). بی‌حوصله و سرخورده‌ام (کد ۱۹).

۴- عوامل رفتاری: عوامل رفتاری نیز شامل ۲ مضمون است.

عدم تعادل کار و زندگی: (شغلی، تحصیلی، زندگی): دوست دارم معجزه‌ای شود و بجای اولویت به درس و کارهای فرعی، اولویتش من باشم (کد ۴). مدام در فضای مجازی سیر می‌کند به زندگی اهمیت نمی‌دهد (کد ۱)؛ ۹. به مشکلات کارش در خانه فکر می‌کند و به ما کمک نمی‌دهد (کد ۱۲). از فرط خستگی به ما نگاه هم نمی‌کند، چه برسد به حرف‌های مان گوش کند (کد ۱۳).

انتقاد و سرزنشگری افراطی: تمام تقصیرات زندگی را گردن من می‌اندازد (کد ۷). خودش را بالاتر از همه می‌داند و قدرشناس است (کد ۹). همیشه من را تخریب می‌کند و می‌گویند تو بی‌کس و کاری (کد ۲). از آشپزی و تمام کارهایم ایراد می‌گیرد (کد ۲۲؛ ۱۶). حرفش اینست که خودم را فدای شما کردم و لیاقت ندارید (کد ۱۸).

۵- **عوامل سیستمی:** این عامل از ۲ مضمون تشکیل شده است.

روابط افراطی با افراد خانواده: اهمیت اول مادرش و خانواده‌اش است و بعد من و فرزندان (کد ۱). به خواهرانم حسادت می‌کند (کد ۶). حتی اگر ما مشکل داشته باشیم باید همیشه مشکلات خانواده‌اش را حل کند (کد ۲۱؛ ۱۷).

دخالت افراد خانواده مبدأ: همیشه یک پای مادرش در خانه ماست (کد ۱؛ ۴). بیشتر بحث ما در رابطه با مادر و خواهرانش است که دخالت بیجا در زندگی ما دارند (کد ۱۵؛ ۲۱). وقتی خانه می‌آمد بخاطر حرف‌های خانواده‌اش مثل بمب آتش بود (کد ۱۸).

۶- **عوامل اقتصادی:** عوامل اقتصادی نیز شامل ۲ مضمون فرعی است.

عدم بر خورداری از مهارت مدیریت مالی: او همیشه پول‌ها را خرج خودش و خانواده‌اش می‌کند (کد ۱۵). مدام کار می‌کند ولی همیشه کم می‌اریم از بس الکی خرج می‌کند (کد ۴).

غفلت از نیازهای مادی خانواده: برای دوستانش خیلی خرج می‌کند ولی زندگیش نه (کد ۸). نگران آینده بچه‌ها، خانه نداریم، پس‌انداز هم نداریم ولی اصلاً اهمیت نمی‌ده (کد ۹). فشار مالی زیاد است اما حاضر نیست سهم زمین را بفروشد و کاری راه بیاندازد (کد ۱۹). او مرا نمی‌بیند همیشه فکر مال و ثروته (کد ۱۳).

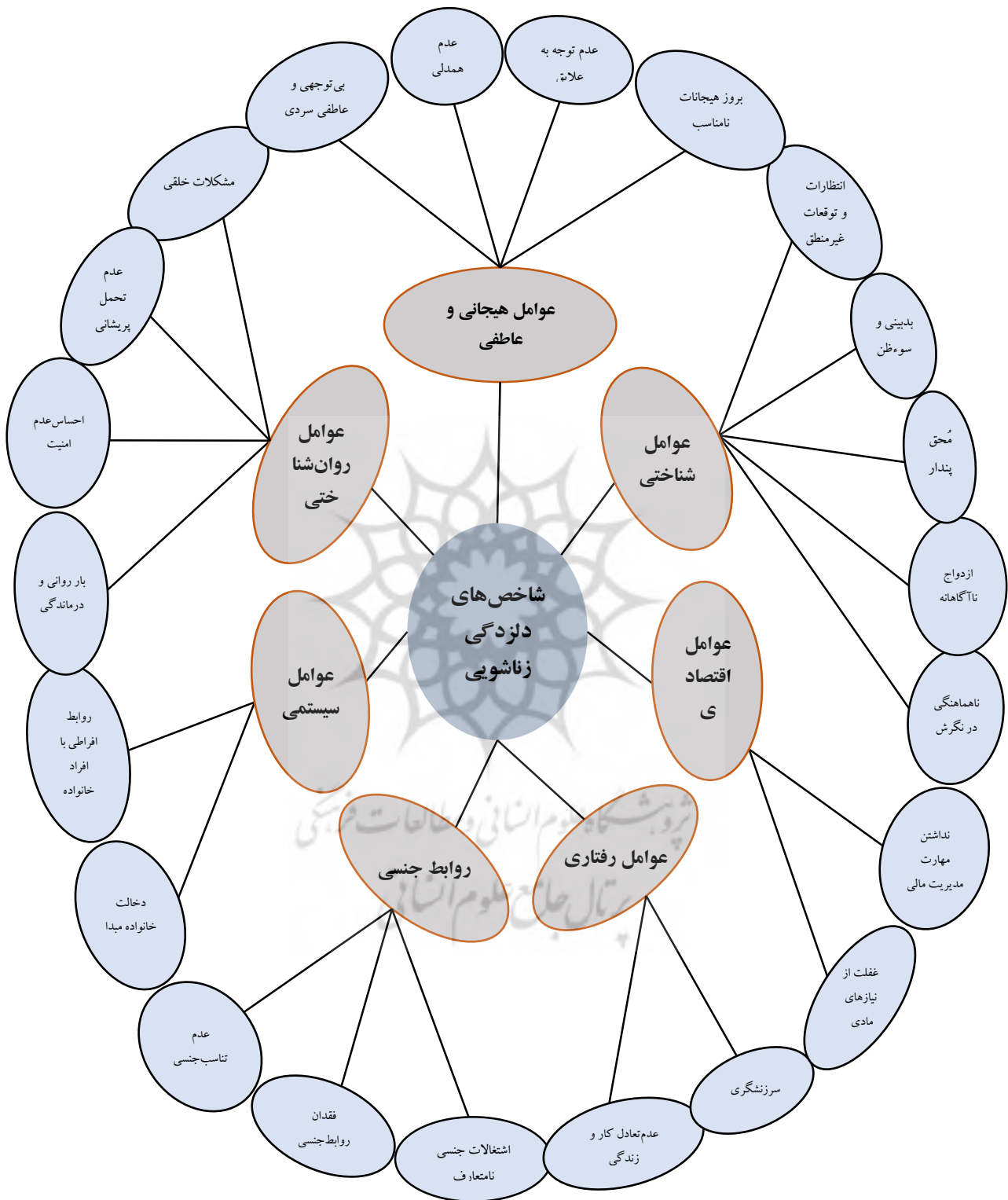
۷- **روابط جنسی:** از ۳ مضمون فرعی تشکیل شده است.

عدم تناسب جنسی زوجین: از این وضع خسته شدم در رختخواب با من راحت نیست و همیشه حس بدی نشون میده (کد ۲۰؛ ۶). خیلی سرده، اگر گاهی هم قبول کنه انگار به اجبار و منفعل (کد ۱۴). حس می‌کنم اون زمان یک وسیله هستم و واقعا خودم از این رابطه حالم به هم می‌خوره (کد ۷).

کاهش روابط جنسی رضایت‌بخش: دیگه رابطه جنسی دوست ندارم چون آنجا هم شروع به گله‌گذاری می‌کند (کد ۵). هیچ رفاقتی میان ما نیست و رابطه جنسی بسیار کم شده است (کد ۱۱).

اشتغال جنسی نامتعارف زوجین: روابط جنسی با من ندارد و بارها دیدم با موبایل با زنان دیگر چت می‌کند ولی دیگه برام مهم نیست (کد ۳). گاهی حس می‌کنم خودارضایی می‌کند و با زنان دیگر هم دوست می‌شود و رابطه دارد (کد ۱). با دیگران رابطه داشت و خانه اجاره کرده بود، به من خیانت می‌کرد؛ به حدی که وسایلی توی ماشین پیدا کردم (کد ۲۳).

بر اساس یافته‌های موجود، الگوی شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده دلزدگی زناشویی طراحی شده است که در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱. الگوی شاخص‌های پیش‌بینی کننده دزدگی زناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر واکاوی شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده دزدگی زناشویی بر اساس تجارب زیسته زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و ارائه الگوی مطلوب بود. به جهت دستیابی به این هدف با زوجین دچار دزدگی زناشویی مصاحبه‌های جامع انجام شد. نتایج نشان‌دهنده ۲۲ مضمون فرعی و ۷ مضمون اصلی بود که با استفاده از روش‌های ویژه اعتباریابی کیفی روایی سنجی و مورد تأیید قرار گرفت. با وجود این که نتایج پژوهش حاضر با برخی از نتایج برخی از پژوهش‌ها هم‌راستا می‌باشد، در هیچ‌یک از مطالعات پیشین، فرایند جامعی از کلیه شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده دزدگی زناشویی ارائه نشده است و در این پژوهش سعی شد تا یک الگوی نسبتاً جامع که از اعتبار کافی برخوردار باشد ارائه گردد که از جمله نوآوری‌های این پژوهش محسوب می‌شود. نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده دزدگی زناشویی بدین شرح می‌باشد: اولین شاخص دزدگی زناشویی عوامل هیجانی و عاطفی می‌باشد که واکنش‌های عاطفی-احساسی در تعاملات زوجین و نحوه ابراز نیازهای عاطفی به صورت مطلوب، به بهترین نحو ممکن به پرورش پیوند و رابطه ایمن‌تر منجر می‌شود و در نتیجه این امر موجب تداوم تغییرات پایدار در رضایت از رابطه زوجین و دستیابی به پاسخ‌های انطباقی و مناسب در موقعیت‌های مختلف می‌شود؛ بنابراین افراد به واسطه باورهایی که درباره هیجانان خود دارند، روش‌های متفاوتی برای واکنش انتخاب می‌کنند با تأکید بر اهمیت و نقش هیجان‌ها، آن را عامل تغییر در زندگی زوجین به سوی افزایش رضایت زناشویی می‌داند و بیان می‌کند که ارتباطات هیجانی در سازماندهی الگوهای ارتباطی زوجین نقش اساسی ایفا می‌کنند. واکنش‌های عاطفی-احساسی در تعاملات زوجین و نحوه ابراز نیازهای عاطفی به صورت مطلوب، به بهترین نحو ممکن به پرورش پیوند و رابطه ایمن‌تر منجر می‌شود. در نتیجه این امر موجب تداوم تغییرات پایدار در رضایت از رابطه زوجین و دستیابی به پاسخ‌های انطباقی و مناسب در موقعیت‌های مختلف می‌شود؛ بنابراین افراد به واسطه باورهایی که درباره هیجانان خود دارند، روش‌های متفاوتی برای واکنش انتخاب می‌کنند (وایب و جانسون، ۲۰۱۶). در این میان، افرادی که انتظار هیجانان منفی زیادی از خود دارند، در موقعیت‌های اضطراب‌زا یا نامطلوب واکنش شدیدتر و نامتناسب ابراز می‌کنند. این افراد خود را به شدت سرزنش و انتقاد می‌کنند و به دیگران نیز بیش از حد حساسیت نشان می‌دهند. این خصیصه‌های منفی، در درازمدت سبب جدایی و فاصله زوجین از یکدیگر شده و چرخه دزدگی بیشتر در روابط زوجین تکرار می‌گردد (دیکلرک، آبما، باملیس و آرتز، ۲۰۱۷). هم‌چنین پس از سرخوردگی و تنش‌های برآمده از برآورده نشدن خواسته‌ها و نیازها، احساس سرخوردگی آشکارا به همسر نسبت داده می‌شود و این مایه از دست رفتن عشق و تعهد شده و دزدگی جایگزین شور و شیفستگی نخستین می‌گردد (پاینز و همکاران، ۲۰۱۱). همسو با این یافته، نتایج پژوهش کوچکی، کربلابی و ثابت (۱۳۹۶) نشان داد که دزدگی زناشویی با واسطه‌گری نشخوار خشم، خشونت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین یافته‌ها با پژوهش‌های آلسوالکا (۲۰۱۹) و اسمیت و همکاران (۲۰۱۶) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود ابراز هیجانان به نحو مثبت و وجود تنوع در عواطف، سبب برانگیختگی عاطفی می‌شود و در مقابل، یکنواختی و عدم وجود این عوامل موجبات حرکت به سوی دزدگی را فراهم می‌نماید (اسمیت، هیون و کروچی، ۲۰۱۶)؛ گرایر (۲۰۱۶) با تأکید بر اهمیت و نقش هیجان‌ها، آن را عامل

تغییر در زندگی زوجین به سوی افزایش رضایت زناشویی می‌داند و بیان می‌کند که ارتباطات هیجانی در سازماندهی الگوهای ارتباطی زوجین نقش اساسی ایفا می‌کنند. عوامل شناختی، این یافته حاکی از آن است که بروز برخی از تعارضات میان زوجین، به نوعی ناشی از تفکر اشتباه در مورد همسران می‌باشد (هادیان و امینی، ۱۳۹۸). دلزدگی زناشویی را می‌توان با عدم تناسب میان واقعیات و توقعات و میزان سازگاری زوجها و باورهایشان تبیین نمود. جکسون، گراو و بیچامپ (۲۰۱۰) نقش باورها، شناخت و رابطه منطقی بین زوجین را به منظور جلوگیری از وقوع پدیده دلزدگی زناشویی مهم می‌دانند و عدم توانایی در برقراری ارتباط منطقی با همسر را شایع‌ترین مشکلی در نظر می‌گیرند که زوجین ناراضی مطرح می‌کنند. هم‌چنین پذیرش باورها در افراد نخستین گام تغییر است (دهقان، غلامعلی، مدنی، ۱۳۹۷).

افزون بر آن، اتفاقات و رویدادها به تنهایی باعث تنش نمی‌شوند بلکه این دیدگاه افراد از اتفاقات و رویدادها است که منجر به تنش، اضطراب و افسردگی در آن‌ها شده و آن‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد؛ از اینرو دیدگاه منطقی موجب انتخاب روش صحیح در کنار آمدن با مسائل و مشکلات است. به عقیده اپشتین (۱۹۸۶) پایدارترین متغیر شناختی که در نارضایتی زناشویی نهفته است، باورهای افراطی در مورد خود، همسر و ماهیت تعاملات زناشویی است. در صورتیکه زوجین فرآیند خودکار چسبندگی به باورهای غیرمنطقی خود را شکسته و آن را به عنوان پدیده‌های گذرای در نظر بگیرند که تنها قسمتی از وجود را فراگرفته و نه تمام آن را؛ به میزان زیادی از آشفتگی‌های ارتباطی زوجین کاسته می‌شود. در واقع در یک زندگی زناشویی آشفته یکی یا هر دو زوج، عقاید و باورهای غیر منطقی را دنبال می‌کنند که به جهت حل این معضل ابتدا باید باورهای غیرمنطقی مشخص شود، سپس پیوند بین شناخت، عاطفه و رفتار تعیین شود و در نهایت شواهد مخالف افکار غیرمنطقی بررسی شده تا در حصول حل تعارضات و سازگاری، توفیق حاصل شود (سامرلانگان، ۲۰۰۴). در این راستا فلاحتی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی نتایج نشان دادند که ابعاد افکار منفی خودکار می‌تواند دلزدگی زناشویی را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی کند. پژوهش آدیس و برنارد (۲۰۰۲) نیز نشان داد که باور و نگرش هر فرد به ارتباط و شیوه باهم بودن می‌تواند با پدیده دلزدگی زناشویی ارتباط داشته باشد. در تبیین نتایج می‌توان گفت که در واقع باورهای غیرواقع بینانه در رابطه زناشویی، پیش‌بینی کننده نیرومندی برای پریشانی زندگی زناشویی است؛ به طوری که هم تفکرات دلزدگی و هم رفتارهای دلزدگی به طرز مثبتی با تفکرات و باورهای غیرمنطقی مرتبط هستند.

عوامل روان‌شناختی، تعارض و اختلافات در زندگی زناشویی علاوه بر طلاق، پیامدهای منفی فراوانی برای سلامت روانی و جسمی زوجین به بار خواهد آورد که میتواند جنبه‌های مفید زندگی زناشویی را نیز تحت تاثیر قرار دهد (ماخانو، مک‌نالتی، اکل، نیکنوا و منر، ۲۰۱۸؛ فتوحی، میکائیلی، عطادخت و حاجلو، ۱۳۹۶). مشکلاتی مانند افسردگی، اضطراب، تنهایی، طردشدگی، کمرویی، خشم و تعارض در روابط زوجین از جمله مشکلاتی هستند که بسیاری از افراد جامعه با آن دست به گریبان بوده و به نوعی این قبیل مشکلات ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی نیز محسوب می‌شوند (هادیان و همکاران، ۱۳۹۸). از عوامل مؤثر در ثبات و پایداری ازدواج و در عین حال بهداشت روانی خانواده، رضایت زناشویی و رضایت از زندگی آنان است و شکست در برقراری ارتباط موجب دلزدگی زناشویی می‌شود که یکی از رایج‌ترین مشکلات همسران ناراضی است. مطالعات ریشه بسیاری از مشکلات زناشویی از جمله طلاق را به عواملی مربوط می‌داند که به طور مستقیم

یا غیر مستقیم از سازگاری ضعیف و دزدگی نشأت می‌گیرد. برخی از پژوهش‌های همسو نشان دهنده تأثیر دزدگی زناشویی در کاهش علاقه و افزایش مشاجرات، زمینه‌ساز مشکلات روانی، طلاق عاطفی و پریشانی روان‌شناختی (پاینز و همکاران، ۲۰۱۱)، احساس تنیدگی، ناامیدی و سرخوردگی روان‌شناختی (کاپری، ۲۰۱۳)، نشانه‌های افسردگی و اکنشی، بی‌اعتمادی (بیر و همکاران، ۲۰۰۹) و اختلالات شخصیت (دیکلرک، آبما، باملیس و آرتز، ۲۰۱۷) است. آیدوگان و کیزیلداگ (۲۰۱۷) در پژوهشی با هدف بررسی تاب‌آوری رابطه‌ای با دزدگی زناشویی نشان دادند که حمایت همسران به عنوان یک عامل محافظت‌کننده و دزدگی به عنوان یک عامل خطر پیش‌بینی تاب‌آوری رابطه در زوجین است. چرا که فرسودگی روانی به شکل کاهش خودباوری، عقاید منفی‌گرایانه نسبت به روابط به ویژه رابطه با همسر، کاهش تاب‌آوری، احساس یأس، سرخوردگی و احساس ناکامی، ناتوانی در عشق ورزیدن دیده می‌شود. فرسودگی عاطفی به شکل احساس آزرده‌گی، کاهش تعهدات زناشویی، عدم تمایل به حل مشکلات، احساس تهی بودن و بی‌معنایی زندگی، بروز افسردگی و حتی انگیزه‌های خودکشی دیده می‌شود (پاینز، ۱۳۹۴).

عوامل رفتاری، در تبیین این یافته می‌توان به عادات مخرب در روابط زوجین اشاره کرد که از آن جمله عادت به انتقاد کردن، سرزنش کردن، گله و شکایت، نق زدن، تهدید کردن، تنبیه کردن و رشوه دادن برای کنترل دیگران هستند. در زندگی زناشویی یکی از عوامل آسیب‌زاه فقدان توانایی‌های ارتباطی لازم و اساسی در مواجهه با مسائل و نحوه واکنش افراد است. طرز برقراری ارتباط همسران در برداشت آنان از روابطشان، پیش‌بینی الگوهای رفتاری و ارتباطی آن‌ها بسیار موثر است؛ به‌ویژه در زمان حل و فصل مشکلات و چالش‌های روزمره‌ای که پیش روی اکثر زوج‌ها قرار می‌گیرد (پروندی، عارفی و مرادی، ۱۳۹۵). پژوهش فتوحی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد با افزایش سطوح چرخه تعامل مثبت، جایگزین ساختن پیوندجویی به جای خصومت و رفتارهای اجباری و همچنین جایگزین کردن رفتارهای تخریب‌گر با رفتارهای سازنده منجر به افزایش سازگاری زناشویی می‌گردد و با کاهش دامنه رفتارهای تخریب‌گر هم‌چون انتقاد، تحقیر و حالت تدافعی در همسران دارای تعارض زناشویی به کاهش دزدگی زناشویی در آنان منجر می‌شود. در واقع هنگامی که رابطه صمیمانه متوقف می‌شود، منازعات فراوان، انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت، عدم همراهی عاطفی و لاینحل ماندن مشکلات پدید آمده و تدریجاً به دزدگی زناشویی منجر می‌شود (بولتون، ۲۰۰۵). سه سیستم رفتاری با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی در الگوهای عاشقانه شامل شناخت، احساسات و رفتارهای رمانتیک در رفتار و روابط زوجین حائز اهمیت است (میکالیسر و شاور، ۲۰۱۹)، که ممکن است موجب شود از شدت علایق آنان و دلبستگی‌شان در طی زمان کاسته شود و یا علایق مزبور در سراسر زندگی به بقای خود ادامه دهند. علاوه بر این از جمله عوامل دیگری که بر رضایت زناشویی تأثیر دارد تقسیم نقش‌های زناشویی است. ناآگاهی همسران از زندگی مشترک وظایف و نقش‌های خود، رشد نیافتگی، ارزش‌های متضاد و ناهماهنگی رفتاری همسران از عوامل تعارض بین زوجین و عدم وحدت و یگانگی آنهاست که موجب بروز پرخاشگری، ستیزه‌جویی و سرانجام اضمحلال و زوال روابط آنان می‌گردد. کانون خانوادگی که بر اثر تعارض و نفاق و جدال بین زن و شوهر آشفته است، آثار مخربی نیز بر روابط زوجین و فرزندانشان برجای می‌گذارد. نوع رفتار زوجین در تقسیم کارها می‌تواند بر تعارض‌های زناشویی دامن بزند که از آن جمله می‌توان به عدم تعیین نقش‌ها و درهم شدن وظایف، بی‌توجهی به داشتن اهداف مشترک، سخت‌گیری بیش از حد در انجام وظایف و عدم ایثار و از خودگذشتگی در انجام امور سخت اشاره

نمود (آماتو و بوث، ۱۹۹۵). اغلب اوقات نقش‌ها به دلایلی چون وضعیت اقتصادی، برنامه‌های کاری، فرزندان و نیازهای سایر اعضای خانواده تغییر پیدا می‌کنند و این باعث می‌شود که بیشتر اوقات همسران نقش‌های متفاوتی را بر عهده بگیرند و این بر میزان رضایت زناشویی تاثیر دارد. علاوه بر آن دلایل کاری مانند نداشتن زمان کافی برای استراحت و تعاملات اجتماعی، مسئولیت‌های فراوان، وظایفی که هیچ چالش و تنوعی برای فرد ندارند و کار کردن در محیط‌هایی با فشار بالا، می‌تواند فرد را با خستگی روحی و جسمی مواجه ساخته و در نتیجه این خستگی‌ها به محیط خانواده گسترش یابد که پیامد آن دلسردی در روابط زناشویی با همسر خواهد بود. پژوهش‌های دسی (۲۰۱۹)؛ کیزیلداگ و یلدریم (۲۰۱۸) در زمینه تعارض کار-خانواده، دزدگی شغلی و دزدگی زناشویی در مشاغل پر استرس، نشان داد درگیری کار-خانواده پیش‌بینی کننده مهمی برای دزدگی زناشویی است.

عوامل سیستمی، روابط زناشویی موفق با ارتباط مثبت با خانواده همسر، پویایی مثبت در خانواده اصلی مرتبط می‌باشد. بدین ترتیب در خانواده‌های ناموفق شاهد میزان بیشتری از دخالت خانواده‌ها در زندگی زوجین هستیم و همچنین در خانواده‌هایی که زوجین از طرف خانواده همسر مورد قبول قرار نمی‌گیرند مشکلات و کشمکش‌های بیشتری دیده می‌شود. همچنین وابستگی بیش از حد هر یک از زوجین به خانواده قبلی، این فرصت را به والدینشان می‌دهد تا با مداخلات بیشتر، به طور ناخودآگاه باعث پایین آمدن رضایت زناشویی فرزندان شوند (قاسمی، اعتمادی و احمدی، ۱۳۹۴). واضح است که با افزایش سطح تمایز یافتگی و استقلال از خانواده اصلی رضایت زناشویی بالاتر می‌رود. اگرچه جو عاطفی خانوادگی گرم و پذیرنده در خانواده همسر، افراد را از آسیب‌های روانی محافظت می‌کند (تجلی و صباغی رنانی، ۱۴۰۰) و وجود ارتباط با خانواده اصلی برای زوجین کمک کننده است، اما این امکان وجود دارد که در هنگام بروز تعارض، اطرافیان وارد رابطه شوند و بدین ترتیب مثلث سازی صورت گیرد که خود موجبات ادامه تعارضات را فراهم می‌نماید و گرمی و صمیمیت روابط زوجین را کاهش می‌دهد (خاکپور، نظری، زهراکار، ۱۳۹۳). هرگاه زوجین قادر نباشند در مورد چگونگی توزیع قدرت به توافق برسند برای بهبود وضعیت خود از روش مثلث‌سازی استفاده می‌کنند. از آنجایی که دخالت نفر سوم نشان دهنده ناتوانی زوج برای مواجهه با آسیب، غلبه کردن بر استرس و یا توانایی ضعیف آنها برای حل مسئله است، دخالت و یا اعمال نفوذ خانواده‌های اصلی غالباً به صورت پنهان و در پوشش‌های زیبا عرضه می‌شود که می‌تواند زیربناهای جدی تعارضات زناشویی باشد. همسو با این یافته، پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۴) مبتنی بر رابطه تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی نشان داد شناخت‌های ناقص سوء تفاهم و نگرش‌های منفی نسبت به خانواده همسر، هیجانات خاصی را در هر یک از طرفین ایجاد می‌کند و تعاملات بعدی زوجین و خانواده همسر را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ به‌طوری‌که پیامدهای رفتاری آن حتی می‌تواند تعادل در روابط جنسی زوجین را برهم زند. پاینز و همکاران نیز (۲۰۱۱) در پژوهشی بر دزدگی زناشویی زوجین سرپرست خانواده در نسل‌های مختلف (به عنوان مثال زوج‌هایی که هم از کودکان و هم از والدین مسن مراقبت می‌کنند) نشان دادند عوامل استرس‌زای مربوط به مراقبت از والدین، فرسودگی شغلی و دزدگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

عوامل اقتصادی، در بررسی این یافته ذکر این نکته ضروری است که افراد بر حسب ویژگی‌های شخصیتی و عوامل اجتماعی-اقتصادی، سبک‌های زندگی متفاوتی دارند و همین تفاوت در سبک زندگی، میزان متفاوتی از رضایت زناشویی را در پی خواهد داشت؛ به بیان دیگر ویژگی‌های شخصیتی و عوامل اجتماعی-اقتصادی به‌طور مستقیم بر میزان رضایت زناشویی و هم به صورت غیرمستقیم بر سبک زندگی اثر می‌گذارد (مرادی، کرمی‌نیا، حاتمی، ابوالمعالی‌الحسینی، ۱۳۹۷). وضعیت اقتصادی و شغل افراد عاملی است که می‌تواند جنبه‌های گوناگون زندگی را تحت‌الشعاع قرار دهد و اکثر مواقع مسائل اقتصادی می‌تواند منبع تعارضات زوجین باشد.

بنابراین، وجود رابطه جنسی رضایت‌بخش مطلوب به نحوی که بتواند موجب تأمین رضایت طرفین شود نقش بسیار مهم و اساسی در احساس خوشبختی، موفقیت و پایداری زندگی زوجین دارد. سطح بالایی از رضایت جنسی منجر به افزایش کیفیت زندگی زناشویی و در نتیجه افزایش ثبات زناشویی در طول زندگی می‌شود. رضایت جنسی از جمله عامل مهمی است که می‌تواند کیفیت زندگی و روابط بین فردی زوجین را پیش‌بینی کند. مشکلات جنسی علاوه بر کاهش کیفیت زندگی و سلامت روان گاهی در طلاق و جدایی زوجین نیز مؤثر باشد (رجب‌پور و نجات، ۱۳۹۸). بسیاری از زوجین دلزده به دلیل مشکلات جنسی به متخصصان و مراکز مشاوره مراجعه نمی‌کنند، بلکه از طرح این موضوع در بین خودشان نیز خودداری می‌ورزند و این امتناع می‌تواند گاهی منشاء اختلافات شدید خانوادگی و در نهایت جدایی‌های عاطفی و یا طلاق شود. این در حالی‌ست که رضایت جنسی در سازگاری زوجین تأثیر به‌سزایی دارد. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد عملکرد جنسی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی نقش دارد و توجه به درمان اختلالات جنسی، افزایش اطلاعات صحیح و آموزش‌های لازم در این خصوص به افزایش رضایت جنسی زنان و در نهایت تداوم زندگی و رضایت زناشویی می‌انجامد (اکبری، حیدری‌نصب و کی‌قبادی، ۱۳۹۲). بسیاری از مسائل جنسی نظیر کمبود تمایلات جنسی و ناتوانی، به خاطر ترس و اضطراب، شرم و خجالت یا احساس بی‌کفایتی و گناه مخفی مانده و بیان نمی‌شوند. در بسیاری از مواقع این مشکلات ابراز نشده ممکن است خود را با علائم و عوارض دیگری مثل مشکلات جسمانی، افسردگی و ناراضی‌ت‌ی از زندگی زناشویی نشان دهد و تا مرز اختلافات شدید خانوادگی و جدایی پیش روند.

شناسایی کلیه عوامل مرتبط با دلزدگی زناشویی و بررسی تجارب زوجین یک موضوع وابسته به فرهنگ است و در جوامع مختلف نیازمند بررسی‌های عمیق و جامع است و می‌تواند متخصصان و پژوهشگران را به سوی راه‌کارهای مؤثر در درمان مشکلات زناشویی و پیشگیری از پدیده دلزدگی زناشویی هدایت نماید. در کل به نظر می‌رسد با توجه به رعایت نکات دقیق در فرایند اجرا و تحلیل پژوهش، این مدل نظری به فهم عمیق‌تر دلزدگی کمک کرده و بخشی از واقعیات زندگی این زنان را روشن می‌سازد، اثربخشی این مدل نظری به شکل آموزشی در پژوهش بررسی شد و نتایج آن نشان داد بسته آموزشی مستخرج از این نظریه زمینه‌ای در بهبود کیفیت متغیرهای خانوادگی مؤثر است. از یافته‌های این پژوهش و راهبردهای آن می‌توان برای کاهش دلزدگی زناشویی استفاده کرد. هر پژوهشی در راستای فرایند و اجرا دارای محدودیت‌هایی است که پژوهش حاضر نیز مستثنا نمی‌باشد. از آن جمله می‌توان به عدم تمایل افراد برای شرکت در مصاحبه‌ها و عدم وجود رغبت به بیان کلیه مسائل زناشویی بود که دسترسی به افراد واجد شرایط جهت همکاری کامل را با مشکلات بسیار مواجه می‌نماید زیرا به دلیل وجود برخی محدودیت‌های فرهنگی و موانع

موجود در جامعه، در اکثر موارد زوجین نه تنها برای برطرف کردن اختلالات و مشکلات جنسی به متخصصان و مراکز مشاوره مراجعه نمی‌کنند و یا از بیان آن‌ها گریزانند. هم‌چنین در پژوهش‌های کیفی، دسترسی به افراد متخصص جهت اعتبارسنجی یافته‌ها زمان زیادی را طلب می‌کند. علاوه بر این در پژوهش حاضر تنها با زوجین دلزده در شهر اصفهان مصاحبه به عمل آمده است که تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه می‌گرداند. علی‌رغم این مسائل به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود علاوه بر شاخص‌های یافت شده، با بررسی‌های دقیق‌تر به شناسایی مولفه‌های دیگر و مصاحبه با زوجین سایر شهرها نیز بپردازند.

موازن اخلاقی

در این پژوهش کلیه موازن اخلاقی نظیر رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات مشارکت‌کنندگان رعایت شده است.

سپاس‌گزاری

از کلیه عزیزانی که در این پژوهش ما را یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- احمدی مهر، زهرا، یوسفی، زهرا و گل‌پرور، محسن. (۱۳۹۹). کشف و توضیح روند دلزدگی زناشویی در بین زنان متأهل: یک نمونه نظریه‌ی زمینه‌ای. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۴(۳): ۲۹۰-۲۶۹.
- پروندی، علی، عارفی، مختار، و مرادی، اسما. (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین در پیش‌بینی رضایت زناشویی. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۲(۱): ۵۴-۶۵.
- پاینز، آیالامالچ. (۱۳۹۴). چه کنیم تا عشق رؤیایی به دلزدگی نیانجامد. ترجمه فاطمه شاداب. تهران: انتشارات ققنوس.
- خاکپور، ایمان، نظری، علی‌محمد، و زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۳). پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس مثلث‌سازی و ساختار قدرت در خانواده. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۹(۳۳): ۳۷-۴۶.
- دهقان، ابوالفضل، غلامعلی‌لواسانی، مسعود، و مدنی، یاسر. (۱۳۹۷). رابطه بین باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی: نقش واسطه‌ای ذهن‌آگاهی. *مجله روانشناسی*، ۲۳(۳): ۳۴۴-۳۵۷.
- رجب‌پور، سارا، و نجات، حمید. (۱۳۹۸). مقایسه اثربخشی درمان شناختی رفتاری و دارودرمانی با استفاده از بوپروپیون بر رضایت جنسی و دلزدگی زناشویی زنان مبتلا به اضطراب رابطه جنسی. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱(۱): ۲۸-۲۸.
- زارعی، سلمان. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای خودتمایز یافتگی در رابطه بین تاب‌آوری با دلزدگی زناشویی در زنان متأهل. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۶(۲): ۶۲-۷۳.

- ساداتی، سیداحسان، مهرابی‌زاده‌هنرمند، مهناز، و سودانی، منصور. (۱۳۹۳). رابطه علی تمایز یافتگی، نورزگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱(۲): ۵۵-۶۸.
- صفی‌پوریان، شهین، قدمی، سیدامیر، خاکپور، مسعود، سودانی، منصور، و مهرآفرید، معصومه. (۱۳۹۵). تأثیر مشاوره گروهی با روش درمان بین فردی (IPT) بر کاهش دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق. *نشریه آموزش پرستاری*، ۵(۱): ۱-۱۱.
- عسگری، امین، و گودرزی، کوروش. (۱۳۹۷). اثربخشی طرحواره درمانی هیجانی بر دلزدگی زناشویی زوجین در آستانه طلاق. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۵۵(۸): ۱-۹.
- علی‌اکبری‌دهکردی، مهناز، حیدری نسب، لیلا، و کی‌قبادی، شیرین. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد جنسی با سازگاری زناشویی در زنان متأهل. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۲(۸): ۸۷-۹۸.
- عابدی‌جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، ۵(۲): ۱۵۱-۱۹۸.
- فتوحی، سکینه، میکائیلی، نیلوفر، عطادخت، اکبر، و حاجلو، نادر. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر فراهیجان بر سازگاری و دلزدگی زناشویی در همسران دارای تعارض. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۲(۳۹): ۴۵-۶۴.
- قاسمی، سیمین، اعتمادی، عذرا، و احمدی، سیداحمد. (۱۳۹۴). رابطه تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی در زنان. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱(۱): ۱-۱۳.
- گلزار، تجلی، و صباغی‌رنانی، سمیه. (۱۴۰۰). پیش‌بینی مثلث‌سازی براساس ابعاد انطباق‌پذیری خانوادگی، انسجام، ویژگی‌های شخصیت خود و همسر و تجربه‌های هیجانی نسبت به همسر در زنان متأهل. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۸(۱): ۱-۱۴.
- موحد، سکینه، و کریمی، کیومرث. (۱۳۹۶). بررسی رابطه تاب‌آوری و نارسایی هیجانی با دلزدگی زناشویی معلمان شاغل در مدارس. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۲(۶): ۴۰-۵۲.
- مرادی، محبوبه، گرمی‌نیا، رضا؛ حاتمی، حمیدرضا، و ابوالمعالی‌الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۷). بررسی برازش الگوی مفهومی مبتنی بر پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس عوامل اجتماعی-اقتصادی و ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری سبک‌زندگی در زنان شهر تهران. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳(۴۳): ۳۱-۷.
- نظری، امین، فلاح‌زاده، هاجر، و نظربلند، ندا. (۱۳۹۶). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرخوردگی و کیفیت زناشویی زن‌ها. *فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی کاربرد*، ۳(۴۳): ۴۳۳-۴۵۳.
- نظری‌پور، داود، زهراکار، کیانوش، پوریحیی، سیدمصطفی، و داورنیا، رضا. (۱۳۹۸). اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر تصویرسازی ارتباطی: تأثیر آن بر دلزدگی زناشویی. *مجله شفای خاتم*، ۷(۴): ۵۱-۶۰.
- هادیان، صبا، و امینی، داریوش. (۱۳۹۸). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس هوش عاطفی، مهارت‌های ارتباطی و تعارضات زناشویی زوجین متأهل دانشگاه آزاد همدان. *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۰(۲۷): ۱۷۹-۲۱۱.
- یاقوتیان، محمود، سلیمانیان، علی‌اکبر، و بخشی، مریم. (۱۳۹۴). اثربخشی غنی‌سازی ارتباط بر کاهش دلزدگی زناشویی والدین کودکان آسیب‌دیده بینایی. *تعلیم و تربیت استثنایی*، ۵(۱۳۳): ۳۴-۲۸.

References

- Alsawalqa, R. O. (2019). Marriage burnout: When the emotions exhausted quietly quantitative research. *Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 13(2).
- Ahrari, A., Miri, M. R., Ramazani, A. A., Dastjerdi, R., & Hamidi Tabas, V. (2018). Investigation of the couple burnout and its related factors among couples referring to comprehensive health services centers in marginalized rural areas of Birjand during 2016. *Journal of Health sciences and Technology*, 2(1), 42-48.
- Aydogan, D., & Kizildag, S. (2017). Examination of relational resilience with couple burnout and spousal support in families with a disabled child. *The Family Journal*, 25(4), 407-413.
- Addis, J., & Bernard, M. E. (2012). Marital adjustment and irrational beliefs. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 20 (1), 3-13.
- Amato, P. R., & Booth, A. (2001). The legacy of parents' marital discord: Consequences for children's marital quality. *Journal of personality and social psychology*, 81(4), 627.
- Burgess Moser, M., Johnson, S. M., Dalglish, T. L., Lafontaine, M. F., Wiebe, S. A., & Tasca, G. A. (2016). Changes in relationship specific attachment in emotionally focused couple therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 42(2), 231-245.
- Beaber, T. E., & Werner, P. D. (2009). The relationship between anxiety and sexual functioning in lesbians and heterosexual women. *Journal of Homosexuality*, 56(5), 639-654.
- Bolton, R. (2005). *Psychology of Human Relationship*. Translated by Sohrabi H. Tehran: Roshd Publication.
- Colaizzi, P. F., Valle, R. S., & King, M. (1978). Existential phenomenological alternatives for psychology. *Psychological research as the phenomenologist views it*, 48-71.
- Capri, B. (2013). The Turkish Adaptation of the Burnout Measure-Short Version (BMS) and Couple Burnout Measure-Short Version (CBMS) and the Relationship between Career and Couple Burnout Based on Psychoanalytic-Existential Perspective. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13 (3), 1408-1417.
- De Klerk, N., Abma, T. A., Bamelis, L. L., & Arntz, A. (2017). Schema therapy for personality disorders: A qualitative study of patients' and therapists' perspectives. *Behavioural and cognitive psychotherapy*, 45(1), 31-45.
- Dunham, S. M. (2016). Emotionally focused couple therapy. *The Family Journal*, 24(1), 95-100.
- Dacey, E. (2019). *Work-Family Conflict, Job Burnout, and Couple Burnout in High-Stress Occupations*. Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, Walden University.
- Epstein, N. (1986). Cognitive marital therapy: Multi level assessment and intervention. *Journal of Rational – Emotive Therapy*, 4 (1), 68-81.
- Falahati, F., & Mohammadi, M. (2020). Prediction of Marital Burnout Based on Automatic Negative Thoughts and Alexithymia among Couples. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, 8(2), 2218-2226.
- Grayer, J. (2016). Emotionally focused therapy for couples: a safe haven from which to explore sex during and after cancer. *Sexual and Relationship Therapy*, 31(4), 488-492.
- Ghavi, F., Jamale, S., Mosalanejad, L., & Mosallanezhad, Z. A study of couple burnout in infertile couples. *Global journal of health science*, 8(4), 158.
- Gorkin, M. (2009). The four stages of burnout. on line. <http://stressdoc.Com/4>.
- Jackson, B., Grove, J. R., & Beauchamp, M. R. (2010). Relational efficacy beliefs and relationship quality within coach-athlete dyads. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27(8), 1035-1050.

- Kizildag, S., & Yildirim, I. (2018). Testing a couple burnout model. *Turk Psikolojik Danisma ve Rehberlik Dergisi*, 8(49), 101-116.
- Kebritchi, A., & Mohammadkhani, S. (2016). The role of marital burnout and early maladaptive schemas in marital satisfaction between young couples. *International Journal of Medical Research & Health Sciences*, 5(12), 239-246.
- Kayser, K. (1996). The Marital Disaffection Scale: An inventory for assessing emotional estrangement in marriage. *American Journal of Family Therapy*, 24(1), 83-88.
- King, N., & Horrocks, C. (2010). *Interviews in qualitative research*. London: Sage.
- King, N. (2004). *Using templates in the thematic analysis of text*. In: Cassels, C. and Symon, G, Eds., *Essential Guide to Qualitative Methods in Organizational Research*. Sage, London, 256-270.
- Makhanova, A., McNulty, J. K., Eckel, L. A., Nikonova, L., & Maner, J. K. (2018). Sex differences in testosterone reactivity during marital conflict. *Hormones and Behavior*, 105, 22-27.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). *A behavioral systems approach to romantic love relationships: Attachment, caregiving, and sex*.
- Mazzarantani, J. (2011). *The divorce survival guide: What you need to know to protect your emotional and financial security*. Miami: Jules Mazzarantani PLLC.
- Pines, A. M., Neal, M. B., Hammer, L. B., & Icekson, T. (2011). Job burnout and couple burnout in dual-earner couples in the sandwiched generation. *Social Psychology Quarterly*, 74 (4), 361-386.
- Pines, A. M. (1996). *What do we do to not lead our dream boredom?* (F. shadab, Trans), Tehran: GHOGHNOS.
- Sadri Damirchi, A., Fathi, D., Hashemi Mehr, M. (2020). Investigating the role of mediation of differentiation in attachment styles and affiliation-family adaptation with marital disturbance of parents with special learning disorders. *Journal of Learning Disabilities*, 9(2), 58-80.
- Smith, L., Heaven, P., & Clarrochi, J. (2016). Trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship, satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 44(6), 1314- 1325.
- Somers-Flanagan, J., & Somers-Flanagan, R. (2004). *Counseling and psychotherapy theories in context and practice*.
- Wiebe, S. A., & Johnson, S. M. (2016). A review of the research in emotionally focused therapy for couples. *Family Process*, 55(3), 390-407.

پرتال جامع علوم انسانی

Determining Predictive Indicators of Marital Boredom Based on Lived Experiences of Couples Referred to Counseling Centers and Convenient Pattern: A Qualitative Research

Seyedeh Maryam. Fatemi¹, Mohammad Masoud. Dayarian^{2*}, & Seyed Esmail. Mosavi³

Abstract

Aim: One of the psychological disturbances in couples' relationships is marital boredom; as the emergence of bedrock, psychological problems and the coldness of emotional relationships gradually lead the couple to separation. Therefore, the aim of this study was to investigate the predictive indicators of marital boredom based on couples' lived experiences. **Method:** Analysis of qualitative data with phenomenological approach was based on Colaizzi method. Participants included couples referring to counseling centers in Isfahan who were selected by purposive sampling method and according to the inclusion criteria. Individuals' experiences were examined using in-depth and semi-structured interview tools, and the data were saturated with 23 interviews. **Results:** In the first stage of coding, 225 basic themes were extracted from the text of the interviews. In the second stage, 22 sub-themes and in the third stage, 7 main themes were identified. Data validation was performed by three methods of receiving feedback from participants, the method of independent coders and the method of a group of experts (3 experts) and the criteria for determining the accuracy and robustness of the data were observed. **Conclusion:** The results showed that the accumulation of emotions, emotional distress in marital relationships and life tensions, leads to mental exhaustion and eventually leads to marital boredom. Therefore, identifying and paying attention to the predictors of the phenomenon of depression, leads the couple to find effective solutions and prevent the occurrence of this phenomenon. Based on the findings, a model of predictors of marital boredom was designed. Therefore, it is suggested that these indicators be used in the development of counseling protocols in couple therapy.

Keywords: *Optimal pattern, Lived Experiences, Marital Boredom, Couples.*

1. Ph.D Student in Counseling, Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran.

2. ***Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran.

Email: ahmadi974@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Counseling, KhomeiniShahr Branch, Islamic Azad University, KomeiniShar/Isfahan, Iran.